



تابلوی اعلانات

چرا تابلوی اعلانات به وجود آمده و توجه انسان‌ها را جلب می‌کند؟ در راهروها، درهای ورودی و یا محل‌های ویژه، تابلوهایی نصب می‌شود که اخبار مرتبط با سازمان، دستورالعمل‌های اداری و بسیاری مطالب دیگر را روی آنها منعکس می‌کنند تا مخاطبان مطالعه نمایند.

ولی آیا تابلوی اعلانات جای مطالب دیگری نیست؟ مثلاً آیا تابلوی اعلانات جایی نیست که کارشناسان و کارکنان یک مؤسسه بتوانند نظرات و پیشنهادهای خود را به دیگران منتقل کنند؟ کارشناسانی که در یک مؤسسه فعالیت و مطالعه می‌کنند، آیا می‌توانند آنچه را که خارج از دستورالعمل‌ها و شرح وظایف جاری خود کسب می‌کنند، از این طریق به دیگران ارائه نمایند؟ کارکنانی که در فرایند انجام امور راه‌های بهتری را می‌یابند و آن را روی کاغذ می‌آورند و نمی‌توانند از مجاری دیوانسالار آن را به اطلاع دیگران برسانند، آیا می‌توانند از این امکان استفاده کنند؟ آیا تابلوی اعلانات می‌تواند به وسیله‌ای برای نوآوری روش‌ها تبدیل شود؟ آنجا که استراتژی‌ها پشت درهای بسته تدوین می‌شوند، آیا این تصور وجود ندارد که کارکنان یک مؤسسه می‌توانند ابزاری ارزشمند برای آگاهی از نظرات کارکنان در موضوعات مرتبط با مؤسسه باشند؟ آیا کارکنان از جمله ذی‌نفع‌های یک مؤسسه به حساب نمی‌آیند؟

فرایند جستجوی نظرات آنها از مجاری رسمی معمولاً با رعایت ملحوظات بسیاری همراه می‌شود که نکته اصلی آن پیشنهاد را مخدوش می‌کند. برخی اظهار می‌دارند که نظام پیشنهادها در یک مؤسسه، همین هدف را دنبال می‌کند. ولی در پاسخ آنها بایستی گفت که این نظام در محدوده‌ای مشخص درباره روش‌های کار و امور اجرایی در پایین‌ترین سطوح سازمان اجرا می‌شود و معمولاً به بررسی پیشنهادهای کارکنان ستادی - آن عده که با امور اطلاعاتی و روش‌های اداره مؤسسات مرتبط می‌شوند - توجهی جدی نمی‌کند. بنابراین این سؤال مهم مطرح می‌شود که جایگاه این موضوعات کجاست؟

مهندسان صناعی که در یک مؤسسه کار می‌کنند و علاقه‌شان به مطالعه به طور دائمی و خودجوش در جریان است، حاصل مطالعات خود را معمولاً به رؤسای خود عرضه می‌دارند که عمدتاً به علت عدم درک، عدم توجه، عدم علاقه و یا دلایل دیگر، با بی‌مهری مواجه می‌شوند. این جریان تا آنجا پیش می‌رود که معمولاً آنها را منفعل نموده و علاقه‌شان را کاهش می‌دهد.

امروز افتخار ما این است که مجله روش، تابلوی اعلانات نظرات، پیشنهادها، مطالب تألیف و ترجمه‌ای شما عزیزانی است که در یک نگرش گسترده‌تر، کلاس درس خود را دنبال می‌نمایید.

هر آنچه را که برای این تابلوی اعلانات (اعم از شعر، مقاله، نظریه و...) از سر صدق و صفا می‌فرستید، برگ سبزی است بردرخت پای گرفته‌ای که به شما افتخار می‌کند.

این تابلوی اعلانات، علامت توقف ممنوع ندارد، مگر آنکه امید را از دل خوانندگان ببرد. هر آنچه که کورسویی از بارقه‌های امید داشته و به تلاش، به تفکر و تأمل در اندیشیدن و اداری، در این تابلوی اعلانات، جایگاه خود را دارد.

افسوس که صفحات کافی برای انعکاس این بارقه‌های ارزشمند در اختیارمان نیست و برخی از این مقالات و مطالب مدتی را در نوبت می‌گذرانند. اما این محدودیت، شما را محدود نمی‌نماید؛ چراکه دامنه تفکر آنقدر وسیع است که حد و مرزی نمی‌شناسد و هر چه دامنه جولان آن بیشتر شود، مرزهای بیشتری را گشوده و فتح می‌نماید.



دستان پرمایه، فکرتان پربار و قلبتان پایدار باشد.

